منتهای استدلالات کلاسیک اثبات وجود منبسط و فیض مقدس است

شاگرد: ما که در بیان نمی‌توانیم بگوییم ... .

استاد: بله؛ مقصود شما را می‌دانم. لذا گفتم که از پایین به بالا برویم. اگر از بالا به پایین برویم، کلام دیگری است. فعلاً که می‌خواهید از پایین بروید، شما وجودی را فرض می‌گیرید که می‌خواهید حدها را از آن بردارید. چیزی را که می‌خواهید از آن حدّ بردارید، آن را که نمی‌خواهید عوضش کنید. می‌خواهید عوضش کنید؟! خیر. باید همین را نگه دارید و حدّها را بردارید. نه اینکه به یک جایی برسد که خود آن را بردارید. اگر نقطه‌ی انطلاق شما، وجود امکانی است، خُب، حدود را از وجود امکانی بردارید، می‌شود وجود منبسط.

شاگرد: خیر؛ وجود امکانی نیست. مطلق‌الوجود است.

استاد: نقطه‌ی انطلاق را می‌گویم.

شاگرد: نقطه‌ی انطلاق، یعنی امکانی بودنش هم ملحوظ نیست.

استاد: فقط می‌خواهید مفهوم را مطلق کنید یا واقعیت را؟

شاگرد: واقعیت را.

استاد: خُب، نقطه انطلاق شما در واقعیت محدود است یا نامحدود؟

شاگرد: اگر نقطه‌ی انطلاق بخواهد نامحدود باشد، نمی‌توان آن را تصور کرد.

استاد: احسنت. مشکل این راه را که توضیح می‌دهم، همین است.

شاگرد: خُب، باید یک بیانی بگویید.

استاد: بیان من قبلاً این بود: آنچه که ما از اطلاق وجودی و استدلالات داریم، خروجی آن و نهایت خروجی آن، تازه وجود منبسط است. یعنی صادر اول در موطن کن ایجادی و لذا حتی موطن فیض اقدس

که عالم علم است، خروجی این برهان نخواهد بود. یعنی نقطه‌ی انطلاق ما از وجودی است که موطن کُن وجودی است و مطلق می‌شود. خُب، وقتی تازه مطلق می‌شود، می‌گویند الوحدة الظلیة دارد. وحدت ظلیة مطلق است. بله، شما آن را مطلق کردید. هیچ حدّی ندارد. صادر اول من جمیع الجهات بی‌نهایت است. لذا هم در کلاس می‌گویند تنها تفاوتش با اصل، در ظلیت و اصلیت است. در هیچ جهتی دیگری تفاوتی ندارد الا همین. خُب، پس خروجی اینها فقط صادر اول می‌شود.

خُب، ما از جاهای دیگری می‌دانیم که صادر اول، شامل فیض اقدس و مرتبه‌ی واحدیت نیست. وقتی نیست، آن‌ها چه می‌شود؟! لذا اساساً بُرد این بیان، بیش از این نیست. اگر روی این تأمل کنید، می‌بینید نیاز داریم که بیانات کلاسیک را حتماً عوض کنیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 14:10:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 14:10:26 توسط ... .